

اسارت روحی !

ای یاس مما فی ایدی الناس عز المؤمن

فی دینہ ، (عن ابی جعفر علیہ السلام)

شکوہ و عزت مرد خداداد بی نیازی او از دیگران

است .

* اختلاف انظار چگونه بوجود میآید ؟

* زندگی انکالی و زیانهای فردی آن .

* امور روانی و اقتصادی و ارتباط آن دو بایکدیگر .

* * *

اختلاف انظار چگونه بوجود میآید

نقاطی که در روی زمین قابل زندگی کردن است ؛ همه یکسان نیستند ، برخی از آنان

سردسیر و بعضی جزو منطقه های گرمسیر محسوب میشوند ؛ تأثیرات آب و هوا در دو منطقه مختلف

پر روی افراد ؛ دگرگون و متغایر است . در موردی باعث رشد جسمی و تیره شدن رنگ و در منطقه

دیگر موجب لاغری و سفید شدن میگردد .

مشابه این اختلاف در میان افراد جامعه اختلاف دیگری از نظر اختلاف سطح فکری

و تضاد افکار و افکار وجود دارد . یک حادثه کوچک بر اثر اختلاف نظری با نواح گوناگونی

تشریح و توجیه میگردد ؛ دانشمندان اقتصادی این حادثه را بر مدار علل مادی تعادل مینمایند

استاد اخلاقی و روانشناس همین حادثه را از نظر جهات روحی بررسی مینماید گرچه

تأثیرات مادی و روحی را در این حادثه نمیتوان انکار کرد ولی اشتباهی که گاه و بیگاه دامنگیر

طرفین میگردد اینست که در این محاسبه افراط و زیاده روی شده تأثیرات عوامل دیگر

نادیده گرفته میشود و علل آن حادثه را در چهار دیوار رشته تخصصی خود محصور مینمایند

و حال آنکه دهر موشوم خواهد شد و یازین عوامل متعددی ارعادی و معنوی در حالت دارد .



زندگی انگالی و زبان های فردی آن

پس از روشن شدن این مقصده باید باین نکته توجه داشت که اصولا امور مادی و معنوی در یکدیگر مؤثر میباشند از باب مثال فردی که دارای روح فسرده و پرمزده است اگر اثری مادی از او بوجود آید این اثر باید بدیهه که در حال بساط آزاد بوجود میآید یگنان نخواهد بود و همچنین خواب اوهای که از نظر مادی وسیع است بطوری داشته باشند اثرات باری در جسم و روح افراد آن خواب اوده منبکس خواهد بود .

اقبال و ادبهار قلبی مؤیدمین نکته است - جگه گاهی مسائل خارجی از هم و نشادی و فتر و غنی در افکار ما اثراتی بجای میگذارند بنا بر این باید پایه زندگی را بطوری تنظیم کرد که باعث تشویق و اسطراب روانی نگردد .

در شماره گذشته درباره مقاصد زندگی انگلی از نظر اجتماعی بحث شد ؛ ولی در باره زیانیهای فردی آن سخن گفته شد . مقدمتا باید باین نکته توجه داشت که اصولا زندگی اجتماعی دو نوع است - نوع اول زندگی استقلاللی است ؛ و آن عبارت است از اینکه فردی بمقتضای انتخاب طبیعی برای خود مسئولی امور جسمی و فکری انتخاب کرده ، از عسرنج خود چرخ زندگی را میگرداند . نوع دوم زندگی سربازی است در این قسم بجای فعالیت و کوشش ، تسلی و بیگاری جانشین شده مخارج زندگی از درآمد دیگران تأمین میگردد . اولین دلیلی که از این نوع زندگی عیب آدامس میگردد اینست که در این گونه افراد حس اعتماد بنفس کم کم نالوده میشود پس بر روی عادت و سو میمانند و بتدریج حس الحمیجان و اعتماد از میان رفته خود را افرادی بی اثر و نالایق تلقی خواهند کرد .

امامین (ع) در روایتی چنین فرماید : تمام سعادت و خوشبختی وقتی بخت میآید که آدمی از اموال دیگران چشم پوش کرده طمع خود را بریند ، یا بشودن که از دیگران مایوس و کار خود را بجای سپارد پروردگار خواسته های چنین کسی را در هر کاری روا می گرداند (۱) .

این خود با خشکی زبان های سحران ناپذیری دارد ؛ که باید جدا گانه در باره آن سخن گفت ؛ و در بیان شناس بوشیله تلقین با این نوع بیماری روحی کشنده میارزده کرده سنی میکند که فکر ناتوانی فردی را از خاطر ها محو و نابود سازد ، جی احساس ضعف و ناتوانی

(۱) اصول کافی جلد دوم باب الاستغناء عن الناس

بزرگترین سده راه استکمال فردی و اجتماعی بشر است . در موارد بسیاری از جنگهای گذشته همیشه شکست متوجه همانی میشده که آثار ترزل و شکست روحی در آنان محسوس میشده است ؛ در سدر اسلام يك سرباز مسلمان در اثر داشتن ایمان قوی و روحیه خال ناپذیری چنان نیرو و توانایی در خود احساس میکرد که میتوانست با توانائی ده سرباز غیر مسلمان برابری کند .



امور روانی و اقتصادی و ارتباط آن دو با یکدیگر .

در نوع دوم زندگی مادی شخص از حاصل رنج فرد دیگری تأمین میگردد ، بدون تردید این نوع زندگی فاقد استقلال بوده ، باختیار و میل دیگران اداره میگردد ، در نظر ابتدائی شاید چنین تصور شده که از دست دادن این نوع استقلال چندان اهمیتی ندارد ، ولی مطالعه و بررسی صیق میرساند که فقدان استقلال مادی کم کم زمینه فقدان استقلال فکری و روحی خواهد بود و باریدن شک این گونه افراد خواهی نخواهی در حدود احساس خواری و حفتی خواهند کرد و برای ازین بردن این حقارت و سرافکنندگی ، و یا برای تحکیم و استواری زندگی انگلی مجبورند : آزادی فکری و روحی خود را از دست داده طوق پیروی کور کورانه افراد دیگر را بگردن اندازند ، و خوب و زشت دیگران را بخوبی تلقی کرده بیک نوع انحراف تشخیص دچار گردند ، در حالی که اگر از نظر مادی استقلال داشته ، بسیاری از مسائل قبلی را بطور دیگر تشخیص داده و نظرشان دگرگون میشود .

از اینجا بخوبی روشن میگردد زندگی سربازی با استقلال فکری منافعی میباشد ، بلکه کم کم زمینه اسارت روحی را آماده میسازد .

و بدیهی است که در چنین وضعی اثری از عزت نفس باقی نمانده گرد ذلت و خواری بر چهره زندگی آنها خواهد نشست امام محمد باقر (ع) در روایتی چنین میفرماید : بدبخت بنده ای است که گرفتار طمع بوده بیچارگی و مذلت خود را فراهم میسازد (۱)



(۱) اصول کافی : جلد دوم باب طمع روایت ۲-